

مجله اقتصادی

شماره‌های ۳ و ۴، خرداد و تیر ۱۴۰۰، صفحات ۹۹-۱۲۰

بررسی تأثیر درصد سهام هیأت‌مدیره بر اجتناب مالیاتی با نقش تعدیلگر کیفیت حسابرسی

سارا کفاش‌زاده محلات

دانشجویی کارشناسی ارشد حسابداری، مؤسسه آموزش عالی حکیم طوس، مشهد، ایران
saramahallat@gmail.com

مهدی فیل‌سرائی

استادیار حسابداری، مؤسسه آموزش عالی حکیم طوس، مشهد، ایران
filsaraei@yahoo.com

هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر درصد سهام هیأت‌مدیره بر اجتناب مالیاتی با نقش تعدیل‌کننده کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این مطالعه برای آزمون فرضیه‌ها نمونه‌ای مشتمل بر ۱۱۴ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۷ انتخاب گردید. پس از جمع‌آوری داده‌ها از صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی با استفاده از نرم‌افزار اکسل، فرضیه‌های پژوهش به کمک رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش حاکی از این بود که سهام هیأت‌مدیره بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد و همچنین کیفیت حسابرسی اثر کاهنده‌ای بر ارتباط بین سهام هیأت‌مدیره با اجتناب مالیاتی می‌گذارد. بنابراین مؤسسات حسابرسی با سطح کیفیت بالاتر می‌توانند از سهامداران و دولت در برابر اقدامات فرصت‌طلبانه و کلاهبرداری مدیران محافظت کنند.
واژگان کلیدی: اجتناب مالیاتی، اندازه مؤسسه حسابرسی، سهام هیأت‌مدیره، کیفیت حسابرسی.

۱. مقدمه

مالیات یکی از مهم‌ترین منابع درآمد دولت است. زیرا مالیات از دیدگاه اقتصاد خرد با دارا بودن دو اثر عمده تخصیص و توزیع و از دیدگاه اقتصاد کلان به عنوان یکی از عمده‌ترین ابزار سیاست‌های اقتصادی دولت دارای اهمیت گسترده‌ای است.

با این حال شواهد تجربی نشان می‌دهد شرکت‌ها سعی در کاهش و به تعویق انداختن مالیات بر درآمد خود دارند. اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی، مدیریت سود، محافظه‌کاری و غیره ابزارهایی هستند که شرکت‌ها ممکن است در صورت لزوم بسته به شرایط از آن‌ها استفاده نمایند. مالیات‌ها باعث ایجاد هزینه برای شرکت می‌شود و کاهش آن باعث می‌شود که جریان نقد در دسترس شرکت و سهامداران قرار گیرد که این منجر می‌گردد که شرکت‌ها و سهامداران تشویق شوند از طریق اجتناب مالیاتی، مالیات خود را کاهش دهند.

اجتناب مالیاتی در حسابداری مالی منجر به کاهش درآمد می‌شود، یعنی تمام معاملاتی را که بر بدهی مالیاتی شرکت اثر دارند، منعکس می‌کند و بین فعالیت‌های واقعی با فعالیت‌های اجتنابی که به منظور کاهش مالیات انجام می‌شود. به منظور کسب مزایای مالیاتی تمایز قائل می‌شوند. شواهد اخیر نشان می‌دهد که مدیران از طریق انجام اقداماتی مالیات شرکت‌ها را کاهش می‌دهند که این اقدامات در حال تبدیل شدن به یک ویژگی معمول و فزاینده از دورنمای شرکت‌ها به منظور اجتناب از مالیات در کشورهای جهان است.

به عبارت دیگر صرفه‌جویی مالیات شرکت‌ها که از اجتناب مالیاتی حاصل می‌شود، می‌تواند برای تأمین مالی پروژه‌های شرکت استفاده شود. از آنجا که هزینه‌های مالیاتی یکی از مهم‌ترین هزینه‌های شرکت‌ها است و موجب خروج نقدینگی از شرکت‌ها شده و سود سهامداران را کاهش می‌دهد، هزینه مالیات و مالیات قابل پرداخت همواره مورد توجه مدیران اجرایی، هیأت مدیره و همچنین سهامداران شرکت‌ها است. لذا اتخاذ اجتناب مالیاتی از جمله خط‌مشی‌هایی است که در ارزیابی عملکرد مدیران از سوی سهامداران و بازار سرمایه مورد توجه قرار می‌گیرد.

طبق تئوری نمایندگی مدیران در قبال دریافت منافع و پاداش از سهامداران در جهت کسب اهداف سهامدار که همانا افزایش ثروت است، تلاش می‌کند. به عبارتی دیگر مدیران برای رسیدن به هدف خود سود را دستکاری می‌کند و این عاملی برای افزایش کیفیت حسابرسی در جهت

کاهش انگیزه‌های دستکاری سود مدیران را برای دریافت پاداش بالاتر ترغیب می‌کند. به همین دلیل افزایش در ریسک حسابرسی ممکن است، با افزایش پاداش‌های هیأت‌مدیره نیز همراه باشد. با توجه به اینکه پاداش‌های از طریق به وجود آوردن احساس مالکیت در هیأت‌مدیره و سهام کردن آنان در سهام شرکت، انگیزش لازم و کافی در هیأت‌مدیره برای تلاش بیشتر و عملکرد مثبت به وجود می‌آورند. بر این اساس هدف اصلی اکثر شیوه‌های اعطای پاداش ایجاد انگیزه مالکیت شرکتی در مدیران از طریق سهام کردن آن‌ها در مالکیت شرکت است. در این صورت اگر ریسک شرکت تا حدی بالا باشد که حسابرس نتواند آگاهانه نظر خود را درباره صورت‌های مالی که نادرست ارائه شده‌اند، بیان کند. در نتیجه حسابرس مجبور است تلاش بیشتر به منظور صرف ریسکی برای پوشش زیان بالقوه مربوط به قصور حسابرس انجام دهد، زیرا این ریسک مستقیماً به سطح کیفیت حسابرسی برمی‌گردد. بر این مبنا مشکلات نمایندگی از یکسو و پاداش‌های غیرمنطقی هیأت‌مدیره از سوی دیگر در ایران به دلیل کاهش مالیات پرداختنی منجر به این شد که هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر سهام هیأت‌مدیره بر اجتناب مالیاتی و نقش تعدیلگر کیفیت حسابرسی بر این رابطه باشد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اجتناب مالیاتی

اجتناب و فرار مالیاتی هر دو منجر به کاهش درآمد مالیاتی دولت‌ها می‌شوند. ولی از لحاظ مفهومی دو پدیده کاملاً جدا از هم هستند. تمایز مفهومی اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی اساساً ناشی از مشروعیت یا وجاهت قانونی یکی در مقابل عدم مشروعیت یا عدم وجاهت قانونی دیگری است. فرار مالیاتی به معنای شکستن حریم قانون است وقتی مؤدی از گزارش درآمدهای مشمول مالیات خویش عدول ورزد یا به شیوه‌های عامدانه نظیر گزارش کمتر از واقع درآمد و فروش، گزارش بیش از واقع کسورات و یا تنظیم اظهارنامه غیرواقعی از تعهدات مالیاتی خود طفره رود. در حقیقت مرتکب عمل غیرقانونی گردیده است مستوجب تنبیه مدنی یا جزایی است و از این رو کسی که از پرداخت مالیات فرار می‌کند، نگران کشف اعمال خلاف قانون خویش است.

اجتناب مالیاتی در چارچوب قانون صورت می‌گیرد و ناظر بر کاهش تعهدات مالیاتی فرد از طریق دور زدن قانون یا استفاده کامل از ظرایف قانونی است و لذا از منظر جرم‌شناسی قابل تعقیب نیست.

کیفیت حسابرسی

کیفیت حسابرسی یکی از موضوعات با اهمیت در حوزه حسابرسی و بازار سرمایه است. به منظور شناخت مفاهیم و ابعاد مختلف کیفیت حسابرسی مطالعات گوناگونی انجام شده است تا رابطه بین کیفیت حسابرسی و دیگر متغیرهای آن کشف شود. به‌هرحال از آنجا که کیفیت حسابرسی در عمل به‌سختی قابل مشاهده است، پژوهش‌ها در این زمینه همواره با مشکلات زیادی روبه‌رو بوده‌اند.

یکی از متداول‌ترین تعریف‌ها درباره کیفیت تعریفی است که دی آنجلو در سال ۱۹۸۱ تحت عنوان ارزیابی بازار ارائه کرده است. او کیفیت حسابرسی را این‌گونه تعریف کرده است: ارزیابی (استنباط) بازار از احتمال اینکه حسابرس: یک) موارد تحریفات بااهمیت در صورت‌های مالی و یا سیستم حسابداری صاحب کار را کشف کرده است. دو) تحریف بااهمیت کشف‌شده را گزارش کند.

مهم‌ترین شاخص کمی اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی اندازه مؤسسه حسابرس است که این دو با هم رابطه مستقیم دارند، به طوری که هر چه اندازه حسابرس بزرگ‌تر باشد، کیفیت حسابرسی هم بیشتر خواهد بود. یکی از شاخص‌های کمی اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی میزان مراقبت حرفه‌ای حسابرس و توانایی نظارت آن یعنی دوره تصدی حسابرس است. هر چه دوره تصدی حسابرس بیشتر باشد، شناخت او از کار صاحب و تخصص او در آن صنعت خاص بالاتر رفته و موجب افزایش کیفیت حسابرسی خواهد شد.

حسابرس و اجتناب مالیاتی

حسابرس ممکن است به طور هم‌زمان دو نقش متفاوت و مجزا را به عنوان حسابرس و به عنوان مشاوره مالیاتی برای شرکت‌ها ایفا کند. طبق ادبیات حسابرسی، مؤسسات حسابرسی به دنبال آموزش بیشتر کارکنان و افراد حرفه‌ای خود و افزایش سطح تخصص آنان در زمینه‌های مختلف و از جمله مالیاتی در یک صنعت خاص هستند. در پژوهش‌های گذشته نشان داده شده است که

تخصص و دانش حسابرسان در زمینه‌های مالیاتی و صنعت مشتری، از عوامل کلیدی مورد توجه شرکت‌های صاحب‌کار در جهت برنامه‌ریزی مالیاتی است.

فرانسیس و مویز در سال ۲۰۱۹ معتقدند از آنجا که هزینه مالیات نیازمند درک عمیق استانداردهای گزارشگری مالی و قوانین مالیاتی است که استراتژی‌های مالیاتی شرکت را احاطه کرده است، ارزیابی حسابرسان از حساب هزینه مالیات به احتمال زیاد محصول کار مشترک متخصصان مالیاتی و حسابرسان است.

مک گوایر و همکاران در سال ۲۰۱۶ نیز در این زمینه معتقدند که اندازه، تخصص و شهرت ایجادشده ناشی از ارائه خدمات غیرحسابرسی به انجام بهتر حسابرسی صورت‌های مالی کمک می‌کند و بالعکس که اصطلاحاً به آن انتقال دانش گفته می‌شود. طبق این مفهوم متخصصان کلی در حسابرسی، توانایی فراهم کردن خدمات برتر و ایجاد تمایز رقابتی بیشتری را دارند زیرا گسترش تخصص در یک زمینه (مثلاً حسابرسی صورت‌های مالی) سایر تخصص‌ها را در حوزه‌های عملیاتی دیگر (مثلاً حسابرسی مالیاتی) تکمیل می‌کند. به احتمال زیاد با ترکیب تخصص کلی حسابرسان و تخصص مالیاتی آن با یکدیگر زمینه مناسبی برای گسترش استراتژی‌های مالیاتی برای شرکت‌های صاحب‌کار نسبت به شرکت‌هایی که دارای کارشناسان متخصص نیستند، فراهم می‌شود.

پاداش هیأت‌مدیره و اجتناب مالیاتی

تمایل مدیران به اجتناب از مالیات تحت تأثیر انگیزه‌های پاداش قرار می‌گیرد. دسای و دارمپالا در سال ۲۰۰۶ در بررسی ارتباط بین پاداش مدیریت و اجتناب مالیاتی به این نتیجه رسیدند که افزایش پاداش به هم‌راستاسازی انگیزه‌های نماینده و مالک در چارچوب نمایندگی کمک می‌کند و این باعث تحریک مدیریت به انجام تصمیمات سرمایه‌گذاری، امور مالی و مالیاتی مخاطره‌آمیز می‌گردد. همچنین آن‌ها نشان دادند که افزایش انگیزه پاداش در شرکت‌هایی که ساختار حاکمیت شرکتی ضعیف دارند، باعث کاهش استفاده از نرخ‌های پایین مالیاتی می‌گردد.

میلیس و لاور در سال ۲۰۱۴ دریافتند که پاداش مدیران با نرخ‌های مؤثر مالیاتی بلندمدت کاهش پیدا می‌کند. رگو و ویلسون در سال ۲۰۱۲ استدلال می‌کنند که پاداش مبتنی بر حقوق مالکانه باعث ایجاد انگیزه مدیران به انجام برنامه‌ریزی مالیاتی مخاطره‌آمیز می‌گردد. مدیران با پاداش‌های نقدی و مالکانه (پرداخت مبتنی بر سهم و حق اختیار) انگیزه دارند که سود پس از کسر

مالیات را برای سهامداران و شرکت افزایش دهند و یکی از مؤثرترین راه‌ها برای دستیابی به آن کاهش میزان هزینه مالیات بر درآمد شرکت است.

آرمسترانگ و همکاران در سال ۲۰۱۷ نشان دادند که پاداش مبتنی بر عملکرد انگیزه کافی را در مدیران ایجاد می‌کند که برای دستیابی به پاداش مناسب، فعالیت‌های مالیاتی تهاجمی و مخاطره‌آمیز انجام دهند که به طور معمول به اجتناب از مالیات منجر شود. این خطرات می‌تواند شامل عدم قطعیت وضعیت مالیاتی یک شرکت، از دست دادن حسن شهرت سرمایه شرکت و هزینه‌های مرتبط با حسابرسی مالیاتی گردد. اما اجتناب مالیاتی ممکن است صرفاً در اثر برنامه‌ریزی مالیاتی نباشد، بلکه در نتیجه تلاش هیأت مدیره و مدیرعامل برای کاهش بدهی‌های مالیاتی باشد. به عنوان مثال ممکن است برخی از فعالیت‌های عادی سرمایه‌گذاری و یا تأمین مالی در جهت کاهش پرداخت مالیات طراحی گردند.

۳. پیشینه پژوهش

– فرانیس و مویز^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر تعدیل‌کننده کیفیت حسابرسی بر سهام مدیرعامل شرکت و اجتناب از مالیات شرکت‌ها تونسی پرداختند. بدین منظور آن‌ها داده‌های ۶۷ شرکت بورس اوراق بهادار تونس را طی سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان می‌دهد که کیفیت حسابرسی حاکمیت کارآمد شرکت‌ها است، در حالی که از کاربران در برابر اقدامات فرصت‌طلبانه و کلاهبرداری مدیران محافظت می‌کند.

– آرمسترانگ و همکاران^۲ (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی پاداش هیئت مدیره بر اجتناب مالیاتی در مجموعه داده اختصاصی شرکت‌های بورسی آمریکا طی بازه ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ پرداختند. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن بود که بین طرح‌های تشویقی پاداش مدیران مالیاتی با نرخ مؤثر مالیاتی محاسبه‌شده بر اساس استانداردهای حسابداری رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد، اما بین طرح‌های مذکور با سایر معیارهای استفاده‌شده ارتباطی ضعیف وجود دارد. محققان در توجیه نتایج حاصله اعتقاد دارند که مدیران فعال در امور مالیاتی شرکت‌ها با

1. Ferchichi & Moez

2. Armstrong

مشوق‌هایی سروکار دارند که در صورت کاهش هزینه مالیات گزارش شده به آن‌ها تعلق می‌گیرد.

- مک گوایر و همکاران^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی رابطه بین تخصص مالیاتی حساب‌رسان و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پذیرفته‌شده در بورس اروپا طی بازه ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها مشخص کرد اگر مؤسسه حسابرسی دارای سابقه حسابرسی مالیاتی باشد، شرکت‌هایی که خدمات مالیاتی را از این مؤسسه‌ها دریافت می‌کنند، بیشتر دچار اجتناب مالیات هستند. همچنین نتایج نشان داد که شرکت‌هایی که مؤسسه‌های حسابرسی آن‌ها متخصص کلی صنعت هستند، سطح اجتناب مالیاتی بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند.
- معطوفی و پوردادشی (۱۳۹۸) طی پژوهشی به بررسی رابطه سهامداران کنترلی و اجتناب مالیاتی با توجه به نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی و کمیته حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این مطالعه صورت‌های مالی ۵۹۰ سال - شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از مدل رگرسیون چند متغیره حکایت از آن دارد که اثر تعدیلی مالکیت خانوادگی و کمیته حسابرسی، تأثیر منفی و معنادار سهامداران کنترلی بر اجتناب مالیاتی را تقویت می‌کنند.
- طایفه و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر اجتناب از مالیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار پرداختند. برای انجام این پژوهش از پرسشنامه بین ۷۷ شرکت بورسی طی دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که ابعاد تأیید شده و رتبه‌بندی آن‌ها به شرح زیر است: عوامل تجاری، عوامل راهبردی شرکتی، عوامل مربوط به حساب‌رس، عوامل مربوط به گزارش مالی، عوامل مربوط به صنعت، ویژگی‌های عمومی، عوامل مربوط به بازار سرمایه و عوامل اجتماعی.
- ناظمی و پورعنقا (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین مالکیت خانوادگی و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کنندگی نظارت مؤثر هیأت‌مدیره پرداختند. به همین منظور نمونه آماری شامل ۸۷

1. McGuire

شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ است. نتایج حاصل از پژوهش نشان‌دهنده آن است که میزان اجتناب مالیاتی در شرکت‌های خانوادگی به نسبت کمتر از میزان اجتناب مالیاتی در سایر شرکت‌ها است. همچنین بین درصد سهام متعلق به مدیرعامل در شرکت‌های خانوادگی و نرخ مؤثر مالیاتی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و متغیرهای نقش نظارتی هیأت مدیره باعث تعدیل این رابطه می‌شود. از این رو در شرکت‌های خانوادگی، استقلال هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره باعث تشدید و دوگانگی نقش مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره باعث تضعیف رابطه بین درصد سهام متعلق به مدیرعامل و نرخ مؤثر مالیاتی می‌شود.

- مولایی نیا و عسگری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به بررسی رابطه بین کیفیت پاداش هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. برای آزمون فرضیه‌ها تعداد ۹۰ شرکت که طی سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۴ عضو بورس اوراق بهادار بوده‌اند، انتخاب کردند. نتایج نشان داد که پاداش هیأت مدیره با اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری دارد، به عبارت دیگر هر چه میزان پاداش هیئت مدیره بیشتر باشد انگیزه مدیران برای کاهش و فرار از پرداخت مالیات کاهش می‌یابد.

- عسگری و عظیمی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی، پاداش هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. از این رو برای آزمون فرضیه‌ها تعداد ۹۰ شرکت که طی سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۴ را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد که کیفیت حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی رابطه منفی دارد و هرچه میزان کیفیت حاکمیت شرکتی بیشتر باشد اجتناب مالیاتی کمتری صورت می‌گیرد. همچنین، نتایج این پژوهش نشان داد که پاداش هیئت مدیره با اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری دارد، به عبارت دیگر هر چه میزان پاداش هیئت مدیره بیشتر باشد انگیزه مدیران برای کاهش و فرار از پرداخت مالیات کاهش می‌یابد.

- حسنی و شعری (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی پرداختند. جامعه آماری پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ تشکیل می‌دهد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان

- می‌دهد که توانایی مدیریت، تأثیر مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد. همچنین یافته‌ها نشان‌دهنده تأثیر غیرمستقیم اندازه شرکت و اهرم مالی بر اجتناب مالیاتی است.
- مهربان‌پور و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر اجتناب از مالیات و تأثیر آن بر معیارهای ارزیابی عملکرد با استفاده از معاملات ساختاری پرداختند. بدین منظور اطلاعات ۱۰۳ شرکت در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ با استفاده از اسمارت پی ال اس و روش حداقل مربعات جزئی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد کیفیت افشا، محدودیت‌های مالی، پیش اطمینانی مدیریتی، تخصص حسابرس، اندازه شرکت، ارزش شرکت، بازده حقوق صاحبان سهام و وجه نقد عملیاتی بر اجتناب از مالیات اثر معنادار و مثبتی دارد. اما از طرفی رقابت در بازار محصول، استقلال هیأت‌مدیره، محافظه‌کاری، بازده دارایی‌ها و ارزش افزوده اقتصادی اثر معناداری ندارد.
 - آقای و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی تأثیر محیط اطلاعات داخلی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش نمونه آماری شامل ۱۲۲ شرکت طی سال‌های ۸۷ تا ۹۳ است. نتایج نشان داد که بین سرعت اعلان سود و هر سه معیار استفاده شده برای اجتناب از پرداخت مالیات رابطه معناداری وجود ندارد. از طرفی بین دقت پیش‌بینی سود مدیران و اجتناب از پرداخت مالیات رابطه مثبت مشاهده شد.

۴. فرضیه‌های پژوهش

- سهام هیأت‌مدیره بر اجتناب مالیاتی تأثیرگذار است.
- کیفیت حسابرسی بر رابطه بین سهام هیأت‌مدیره با اجتناب مالیاتی تأثیر می‌گذارد.

۵. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف پژوهش کاربردی محسوب می‌شود. همچنین روش انجام پژوهش توصیفی و همبستگی است. همچنین پژوهش حاضر به دلیل اینکه در فاصله زمانی در طی یک دوره ۷ ساله انجام می‌شود، از نظر افق زمانی طولی است و به دلیل اینکه داده‌های مورد استفاده، اطلاعات واقعی و تاریخی است، می‌توان آن را از نوع پس رویدادی طبقه‌بندی کرد.

بر این اساس جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و از همه صنایع طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۷ است. نمونه این مطالعه با توجه به موضوع آن از نوع

نمونه‌گیری حذفی است که در آن شرکت‌های انتخاب‌شده با توجه به محدودیت‌های ذکر شده در ذیل از بین مجموعه‌ای از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است که دارای شرایط ذیل باشند:

۱. شرکت‌ها عضو صنایع واسطه‌گری مالی، هلدینگ و بانک‌ها نباشند. علت این امر از این جهت است که چنین شرکت‌هایی از نظر ماهیت فعالیت و طبقه‌بندی اقلام صورت‌های مالی، با دیگر شرکت‌ها دارای تفاوت‌هایی می‌باشند.
 ۲. معاملات شرکت‌ها نباید طی دوره پژوهش به طور کامل متوقف شده باشد (نماد شرکت از بورس خارج شده باشد).
 ۳. شرکت‌ها حداقل از ابتدای سال ۱۳۹۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته‌شده باشند.
 ۴. کلیه داده‌های مورد نیاز پژوهش برای آن شرکت‌ها، در طی دوره زمانی پژوهش، موجود و دسترس باشد.
 ۵. شرکت‌های زیان‌ده نباشند.
- با در نظر گرفتن شرایط فوق تعداد ۱۱۴ شرکت باقی ماند که در حقیقت نشان‌دهنده جامعه آماری واقعی مورد رسیدگی است.

۶. مدل پژوهش و روش سنجش متغیرهای

در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌های از مدل‌های آماری مطالعه فرانسیس و مویز (۲۰۱۹) استفاده شده است که به شرح زیر است:

$$\text{Tax Avoidance}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Board Stocks}_{it} + \beta_2 \text{SIZE}_{it} + \beta_3 \text{LEV}_{it} + \beta_4 \text{ROA}_{it} + \varepsilon_{it}$$

اجتناب مالیاتی = Tax Avoidance

Board Stocks = درصد سهام هیئت‌مدیره

SIZE = اندازه شرکت

LEV = اهرم مالی

ROA = بازده دارایی‌ها

$$\text{Tax Avoidance}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Board Stocks}_{it} + \beta_2 \text{Audit Quality}_{it} + \beta_3 \text{Board Stocks}_{it} * \text{AQ}_{it} + \beta_4 \text{SIZE}_{it} + \beta_5 \text{LEV}_{it} + \beta_6 \text{ROA}_{it} + \varepsilon_{it}$$

اجتناب مالیاتی = Tax Avoidance

Board Stocks = درصد سهام هیئت‌مدیره

Audit Quality = کیفیت حسابرسی

Board Stocks * Audit Quality = نقش تعدیلگر کیفیت حسابرسی و سهام هیئت‌مدیره

SIZE = اندازه شرکت

LEV = اهرم مالی

ROA = بازده دارایی‌ها

متغیر وابسته اجتناب مالیاتی

در این مطالعه نرخ مالیاتی بر اساس مطالعه فرانسیس و مویز در سال ۲۰۱۹ از طریق فرمول زیر محاسبه می‌گردد:

$$\text{هزینه مالیات} \\ \text{سود قبل از مالیات} \\ \text{نرخ موثر مالیات (ETR):}$$

در نتیجه هرچه اندازه این شاخص بزرگ‌تر باشد، سطح اجتناب از مالیات شرکت کمتر است.

– متغیر مستقل درصد سهام هیئت‌مدیره

در این مطالعه درصد سهام هیئت‌مدیره بر اساس مطالعه فرانسیس و مویز در سال ۲۰۱۹ برابر است با مجموعه درصد سهام متعلق به هیأت‌مدیره شرکت i در سال t

– متغیر تعدیلگر کیفیت حسابرسی

یکی از مهم‌ترین معیارهای کیفیت حسابرسی، اندازه مؤسسه حسابرسی است که هر چه این اندازه بزرگ‌تر باشد، کیفیت حسابرسی نیز بیشتر خواهد بود به منظور محاسبه اندازه مؤسسه حسابرسی در صورتی که مؤسسه حسابرسی، سازمان حسابرسی و مؤسسات رتبه الف (همچون مؤسسه حسابرسی رهیافت، مفید راهبر، هوشیار ممیز، تدوین و...) باشند، عدد ۱ و در سایر موارد عدد صفر در نظر گرفته می‌شود. بر اساس مطالعه نمازی و همکاران (۱۳۹۰) در اجرای مفاد ماده ۳۱ اساسنامه جامعه حسابداران رسمی ایران مبنی بر انتشار سالانه نتایج کنترل کیفیت (در سطح مؤسسه و کار حسابرسی) انجام شده امتیاز مکتسبه به شرح زیر ارائه می‌گردد:

○ امتیاز الف یا رتبه یک: ۸۰۱ تا ۱۰۰۰

○ امتیاز ب یا رتبه دو: ۶۵۱ تا ۸۰۰

○ امتیاز ج یا رتبه سه: ۵۰۱ تا ۶۵۰

○ امتیاز د یا رتبه چهار: ۰ تا ۵۰۰

- متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی این پژوهش به شرح زیر است:

الف) بازده دارایی‌ها:

بازده دارایی که این نسبت از تقسیم سود خالص پس از مالیات بر کل دارایی‌ها به دست می‌آید که هر چه این نسبت افزایش یابد نشان می‌دهد از به کارگیری دارایی‌ها سود بیشتری کسب شده است (فرانسیس و مویز در سال ۲۰۱۹).

ب) اهرم مالی:

برابر است با نسبت ارزش دفتری بدهی به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در سال t . با ایجاد بدهی مدیران ملزم به تسویه آن‌ها از محل جریان‌های نقدی آتی می‌شوند و این امر از جریان نقد در دسترس که می‌تواند به اختیار مدیران هزینه شود، می‌کاهد و نوعی محدودیت برای شرکت‌ها در شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودآور و جذب منابع مالی خارجی می‌کند و اثر کنترلی بر عملکرد شرکت دارد. بنابراین، انتظار می‌رود که اهرم مالی با سودآوری (عملکرد مالی) رابطه معکوس داشته باشد (فرانسیس و مویز در سال ۲۰۱۹).

ج) اندازه شرکت:

برابر است با لگاریتم طبیعی دارایی‌های شرکت i در سال t . شرکت‌های بزرگ به واسطه مقدار منابع مالی که نیاز است خریداری شوند، با احتمال کمتری در معرض تملک‌های ناخواسته قرار می‌گیرند. بنابراین انتظار می‌رود که مدیران شرکت‌های بزرگ در خصوص سرمایه‌گذاری و سیاست‌های مالی، قدرت و اختیار بیشتری داشته باشند که منجر به سرمایه‌گذاری‌های کارا تر و عملکرد مطلوب‌تر می‌شود (فرانسیس و مویز در سال ۲۰۱۹).

۷. یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

یکی از مهم‌ترین مزایای استفاده از آمار توصیفی خلاصه کردن حجم عظیمی از اطلاعات است. با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و شاخص‌های مورد استفاده در آن شامل شاخص‌های مرکزی و پراکندگی، اطلاعات مناسبی از متغیرهای مورد استفاده به دست می‌آید که می‌توان به وسیله آن نحوه توزیع آن متغیر آگاهی یافت. در نگاره شاخص‌های مرکزی همچون میانگین و شاخص‌های پراکندگی از جمله انحراف معیار برای متغیرهای مختلف محاسبه شده است.

نگاره ۲. آمار توصیفی

نام متغیر	میانگین	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
اهرم مالی	۰/۶۲۴	۱/۵۶۷	۰/۱۴۷	۰/۱۸۹
درصد سهام هیأت‌مدیره	۱/۳۵۴	۹۶	۱۵	۴/۴۷۷
اجتناب مالیاتی	۰/۰۱۶	۴/۳۳۰	-۱/۳۰	۰/۱۹۰
کیفیت حسابرسی	۰/۶۳	۱	۰	۰/۴۸
اندازه شرکت	۱۴/۳۸۸	۱۹/۷۷۴	۱۰/۵۲۳	۱/۳۴۸
بازده دارایی‌ها	۰/۱۰۹	۰/۶۳۱	-۰/۵۲۵	۰/۱۴۲

همان‌طور که در نگاره (۲) مشاهده می‌کنید یکی از اصلی‌ترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و این شاخصی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است به عنوان مثال نتایج ارائه شده نشان می‌دهد که اندازه شرکت با مقدار ۱۴/۳۸۸ دارای بالاترین میانگین و اجتناب مالیاتی با عدد ۰/۱۹ دارای کمترین میانگین اندازه‌گیری شده است. همچنین انحراف معیار یکی از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی است از این معیاری برای نشان دادن میزان پراکندگی مشاهدات از میانگین است. مقدار این پارامتر برای پاداش هیأت‌مدیره با عدد ۴/۴۷۷ بالاترین رقم و برای بازده دارایی‌ها با مقدار ۰/۱۴۲ دارای کمترین رقم برآورد شده است.

آمار استنباطی

در ادامه ابتدا آزمون‌های مفروض رگرسیون در مورد متغیرها و باقیمانده‌ها بررسی می‌شود. سپس آزمون‌های مربوط به مدل رگرسیون انجام می‌گردد.

یک) بررسی مفروضات مدل رگرسیون خطی

مجموعه‌ای از فروض، تحت عنوان فروض کلاسیک وجود دارد که در مورد جمله باقیمانده (خطای مدل) مطرح می‌گردند. بنابراین قبل از آزمون مدل‌های آماری ابتدا بایستی این مفروضات بررسی و آزمون شوند. لذا در ادامه نحوه آزمون این مفروضات بیان شده و سپس نتایج حاصل از برآوردهای انجام شده تشریح می‌گردد.

الف) آزمون نرمال بودن

در این مطالعه از آماره جارک برا برای آزمون نرمال بودن استفاده شده است. در صورتی که آماره این آزمون در سطح خطای 5 درصد بالاتر از ۰.۰۵ گردد، در نتیجه فرضیه H_0 مبنی بر نرمال داده‌ها تأیید می‌شود.

نگاره ۳. آزمون نرمال بودن

آماره جارک برا	احتمال	نتیجه
۳/۲۵۶۸۲۵	۰/۱۹۶۲۴۱	نرمال
۰/۶۶۷۳۰۱	۰/۷۱۶۳۰۴	نرمال

با توجه به اینکه احتمال آماره جارک برا بیشتر از ۰.۰۵ است در نتیجه فرضیه H_0 مبنی بر نرمال داده‌ها تأیید شده است.

ب) آزمون ناهمسانی واریانس

در این پژوهش برای بررسی وجود مشکل ناهمسانی واریانس از آزمون بروج پاگان گادفری استفاده شده است.

نگاره ۴. آزمون ناهمسانی

آماره	احتمال	نتیجه
۱۰/۰۳۷۷	۰/۰۰۰۰	ناهمسانی
۰/۸۵۲۲۶	۰/۷۷۰۴	عدم ناهمسانی

بنابر نتایج حاصل از این آزمون که در نگاره شماره چهار آورده شده است، در مدل اول پژوهش ناهمسانی واریانس وجود دارد (زیرا p -value محاسبه شده کمتر از ۰/۰۵ است). بنابراین برای رفع ناهمسانی واریانس بایستی از مدل حداقل مربعات تعمیم‌یافته (OLS) استفاده نمود.

دو) تعیین روش به کارگیری داده‌های ترکیبی

در پژوهش حاضر داده‌های ترکیبی (سال شرکت) مربوط به ۱۱۴ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تخمین زده می‌شود. بنابراین مطابق آنچه در فصل سوم بیان شد، پیش از تخمین مدل با استفاده از داده‌های ترکیبی باید در مورد روش مناسب به کارگیری این گونه داده‌ها در تخمین، تصمیم‌گیری نمود. ابتدا باید مشخص شود که اصولاً نیازی به در نظر گرفتن ساختار پانل داده‌ها (تفاوت‌ها یا اثرات خاص شرکت) وجود دارد یا اینکه می‌توان داده‌های مربوط به شرکت‌های مختلف را ادغام^۱ کرد و از آن در تخمین مدل استفاده نمود. در تخمین‌های تک معادله‌ای برای اخذ تصمیم اخیر از آماره آزمون F (لیمر) استفاده می‌شود.

الف) آزمون F لیمر

بر اساس نتایج این آزمون، درباره رد یا پذیرش فرضیه برابری آثار ثابت خاص شرکت‌ها و در نهایت درباره انتخاب روش کلاسیک یا روش داده‌های پانل تصمیم‌گیری می‌شود. نگاره شماره پنج نتایج آزمون چاو (آماره F) مربوط به فرضیه یادشده را در مورد مدل تحقیق نشان می‌دهد.

1 Pooling

نگاره ۵. آزمون F لیمر

مدل	آماره	احتمال	نتیجه
۱	۰/۸۴۵۲	۰/۸۸۰۶	روش تلفیقی مناسب
۲	۰/۸۶۶۴	۰/۸۴۲۰	روش تلفیقی مناسب

همان گونه که در نگاره شماره پنج دیده می‌شود، در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل پژوهش فرض صفر آزمون تأیید شده است، بنابراین باید از روش داده‌های تلفیقی استفاده نمود. در نتیجه بحث انتخاب از بین مدل‌های اثرات ثابت و تصادفی پیش نمی‌آید و نیازی به گرفتن آزمون هاسمن نیست.

نتایج آزمون مدل‌ها

نگاره ۶. آزمون برآورد مدل یک

متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی						
متغیر	نماد	ضرایب	انحراف	آماره	سطح معناداری	VIF
عرض از مبدأ	C	۱.۴۸۲	۰.۰۹۱	۱۶.۹۹۸	۰.۰۰۰	-
درصد سهام هیئت‌مدیره	CEO_PAY	۰.۷۹۰	۰.۲۸۹	۲.۸۹۶	۰.۰۰۵۶	۵/۶۳۲۱۱۵
اندازه شرکت	SIZE	-۰.۳۷۸	۰.۱۲۵	-۲.۸۸۹	۰.۰۰۰۹	۱/۲۵۷۳۶۱
اهرم مالی	LEV	۰.۰۴۹	۰.۰۵۴	۱.۹۹۴	۰.۰۱۸۹	۱/۰۶۹۲۲۹
بازده دارایی‌ها	ROA	۰.۰۲۸	۰.۰۷۲	۰.۳۹۹	۰.۷۸۵۲	۱/۹۲۳۳۵۹
آماره فیشر و سطح معناداری		۲۸/۲۷۶ (۰/۰۰۰۰)	آماره دوربین واتسون		۲/۱۳۴	
ضریب تعیین		۰/۳۳۰	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۲۱۳	

نگاره ۷. آزمون برآورد مدل دو

متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی						
متغیر	نماد	ضرایب	انحراف	آماره	سطح معناداری	VIF
عرض از مبدأ	C	۵/۰۱۰	۲/۵۴۱	۱/۹۷۱	۰/۰۴۹۰	-
درصد سهام هیئت‌مدیره	CEO_PAY	۰/۴۷۳	۰/۱۴۷	۲/۷۱۳	۰/۰۰۶	۷/۵۲۵
کیفیت حسابرسی	Audit Quality	-۰/۷۹۰	۰/۲۷۹	۲/۸۲۵	۰/۰۰۴۸	۱/۸۶۹
اثر متقابل اندازه حسابرسی و درصد سهام هیئت‌مدیره	CEO_PAY *AQ	-۰/۰۳۷۷	۰/۰۰۴۴	۸/۴۲۷	۰/۰۰۰۰	۹/۲۵۴
اندازه شرکت	SIZE	۰/۳۷۸-	۰/۱۱۰	۳/۴۳۵-	۰/۰۰۰۶	۵/۳۲۱
اهرم مالی	LEV	۱/۰۷۵	۰/۰۷۹	۱۳/۵۲۲	۰/۰۰۰۰	۱/۵۷۳
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۵۹۱	۰/۱۳۲	۴/۴۷۷	۰/۰۰۰	۴/۱۲۷
آماره فیشر و سطح معناداری	۱۴/۹۶۶۹ (۰/۰۰۰۰)		آماره دوربین واتسون		۲/۲۶۳۵	
ضریب تعیین	۰/۴۱۵۶		ضریب تعیین تعدیل‌شده		۰/۴۰۱۵	

موارد مورد توجه در ستون آخر نگاره فوق

- تعیین وجود چند هم خطی

هم خطی وضعیتی است که نشان می‌دهد یک متغیر مستقل تابعی خطی از سایر متغیرهای مستقل است. اگر هم خطی در یک معادله رگرسیون بالا باشد بدین معنی است که بین متغیرهای مستقل همبستگی بالایی وجود دارد و ممکن است باوجود بالا بودن R^2 ، مدل از اعتبار بالایی برخوردار نباشد. با توجه به ستون آخر نگاره شماره ۴-۸ مقدار VIF برای کلیه متغیرهای مستقل کمتر از ۱۰ ($VIF < 10$) است. بنابراین بین متغیرهای مستقل هم خطی وجود ندارد. لذا مدل برازش شده دارای اعتبار است.

- آماره F فیشر

همچنین قبل از آزمون فرضیه پژوهش بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، باید از صحت نتایج اطمینان حاصل نمود. بدین منظور برای بررسی معناداری کل مدل از آزمون F استفاده گردید. با توجه

به احتمال آماره F محاسبه شده (۰.۰۰۰۰)، می‌توان ادعا نمود که مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است.

- آماره دورین واتسون

عدم خودهمبستگی باقیمانده‌ها از طریق آزمون دورین - واتسون مورد بررسی قرار گرفته است. ضریب دورین - واتسون بین اعداد ۱/۵ تا ۲/۵ نشان‌دهنده نبودن خودهمبستگی باقیمانده‌ها است (۲/۲۶).

- ضریب تعیین تعدیل شده

با توجه به ضریب تعیین مدل برازش شده می‌توان ادعا نمود، حدود ۴۰ درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود.

۸. بحث و نتیجه‌گیری

مالیات هزینه‌ای است که بر کلیه واحدهای انتفاعی که به نوعی درآمذزایی می‌کنند، از جانب دولت تحمیل می‌شود. چنانچه شرکت‌ها و اشخاص حقوقی به عنوان واحدهایی تلقی شوند که در راستای کسب سود فعالیت می‌کنند، می‌توان انتظار داشت که دنبال راهکارهایی در جهت کاهش مالیات پرداختی خود باشند. در این حالت اجتناب از مالیات فعالیتی ارزش‌زا است که تولیدکننده جریان نقدی به درون شرکت است.

از این رو یکی از موارد اساسی که در اجرای مالیات مورد توجه است، مسئله پذیرش مالیات است. به این معنا که آنچه قانون به عنوان مالیات بر عهده فعالان اقتصادی یک کشور می‌گذارد به صورت تمام و کمال و با صداقت پرداخت نمی‌گردد و فعالان اقتصادی که به دنبال حداکثر سود و حداکثر مطلوبیت خود هستند، سعی می‌کنند که کم‌ترین مالیات را به دولت بپردازند و تا جایی که امکان دارد از پرداخت مالیات بگریزند.

از سوی دیگر اجتناب مالیاتی (عدم پذیرش مالیاتی) آثار زیادی بر اهداف وضع مالیات می‌گذارد. زیرا شرکت‌ها برای رهایی از مالیات روش‌های متفاوتی را در پیش می‌گیرند و بدین منظور به روش‌های گوناگون سعی در کاهش سود قبل از کسر مالیات به منظور کاهش مالیات پرداختی دارند. بر این اساس نتایج پژوهش حاکی از این بود که سهام هیأت مدیره بر اجتناب مالیاتی تأثیر مستقیمی می‌گذارد که این یافته‌ها با مطالعه آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۷) که نشان

دادند بین طرح‌های تشویقی پاداش مدیران (چه افزایش حقوق، چه درصد سهام) مالیاتی با نرخ مؤثر مالیاتی محاسبه شده بر اساس استانداردهای حسابداری رابطه معنادار وجود دارد، همسو است. در توجیه نتایج حاصله محقق بر این باور است که مدیران فعال در امور مالیاتی شرکت‌ها با مشوق‌هایی سروکار دارند که این مشوق‌ها در صورت پرداخت می‌گردد که هزینه مالیات گزارش شده کاهش یابد. به عبارت دیگر هر چه میزان سهام هیأت‌مدیره بیشتر باشد، انگیزه مدیران برای کاهش و فرار از پرداخت مالیات بیشتر می‌شود.

همچنین نتایج پژوهش حاکی از این است که کیفیت حسابرسی اثر کاهنده‌ای بر رابطه بین سهام هیأت‌مدیره با اجتناب مالیاتی می‌گذارد. به عبارت دیگر هر چه میزان کیفیت حسابرسی یا همان اندازه حسابرس بزرگ‌تر باشد احتمال اینکه سهام هیأت‌مدیره بر اجتناب مالیات تأثیر بگذارد، کمتر می‌شود که این نتایج با پژوهش فرانیس و مویز (۲۰۱۹) که نشان دادند کیفیت حسابرسی بر رابطه سهام مدیرعامل شرکت و اجتناب از مالیات تأثیر می‌گذارد و کیفیت حسابرسی حاکمیت کارآمد شرکت‌ها است، همسو است. بنابراین می‌توان چنین استنباط نمود که مؤسسات حسابرسی با کیفیت بزرگ‌تر می‌تواند از سهامداران و دولت در برابر اقدامات فرصت‌طلبانه و کلاهبرداری مدیران محافظت می‌نمایند.

بنابر یافته‌های پژوهش پیشنهادهای زیر بیان می‌گردد:

- با توجه به تأیید نقش کاهنده کیفیت حسابرسی بر درصد سهام هیأت‌مدیره و اجتناب مالیاتی به مؤسسات حسابرسی با رتبه پایین‌تر پیشنهاد می‌گردد که فعالیت بیشتری در زمینه‌های بررسی عملیات حسابرسی از لحاظ رعایت استانداردهای حرفه‌ای، استقلال حرفه‌ای، جایگاه سازمانی، دامنه رسیدگی‌ها، برنامه، تأمین منابع و نحوه گزارشگری به‌ویژه در تهیه اظهارنامه‌های مالیاتی داشته باشند تا گزارش‌های تهیه‌شده آن‌ها از کیفیت مناسب‌تر و ضریب خطای پایین‌تری برخوردار گردد.
- در راستای تأیید فرضیه بالا به مؤسسات رتبه یک پیشنهاد می‌شود که با مؤسسات حسابرسی رتبه پایین‌تر بیشتر همکاری نمایند تا از این طریق این مؤسسات را به سازمان‌دهی و افزایش کار حسابرسی ترغیب نمایند.

- با توجه به تأثیر سهام هیأت مدیره بر اجتناب مالیاتی به اداره دارایی و اقتصادی پیشنهاد می‌گردد، هنگام بررسی اظهارنامه‌های مالیاتی سالانه شرکت‌ها برای جلوگیری از اجتناب مالیاتی به درصد سهام هیئت مدیره توجه نمایند و در صورتی که این درصد بالا باشد، مراقبت‌های لازم بیشتر اعمال گردد.

پیشنهادهای پژوهش‌های آتی

- در طول انجام پژوهش، موضوع‌های گوناگون مورد شناسایی قرار گرفت که هر کدام می‌تواند پژوهش اضافه‌ای را در محدوده این پژوهش فراهم آورد. از این رو محققینی که علاقه‌مند به کار و مطالعه در مورد این موضوع هستند می‌توانند از این پیشنهادها استفاده کنند.
- بررسی نوع اظهارنظر حسابرس بر رابطه سهام هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی
- بررسی دیگر شاخص‌های کیفیت حسابرسی (همچون تخصص مؤسسات حسابرسی و دوره تصدی حسابرس) بر رابطه درصد سهام هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی
- بررسی کیفیت حسابرسی بر رابطه دانش مالی هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی
- همچنین در این پژوهش برخی از متغیرهای کلان اقتصادی (تورم و...) و همچنین برخی از ویژگی‌های خاص شرکت (نظیر سایر سازوکارهای حاکمیت شرکتی، حسابرس داخلی و یا ویژگی‌های هیئت مدیره) ثابت فرض شده‌اند، لذا به محققان دیگر پیشنهاد می‌شود موضوع این پژوهش را با توجه به تورم، حسابرسی داخلی و... انجام دهند.

محدودیت‌های پژوهش

محدودیت‌های پژوهش آن دسته از عواملی هستند که در مسیر جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل و کسب نتایج مطلوب مانع ایجاد می‌کنند. محدودیت به طور ذاتی در هر پژوهشی وجود دارد. در این پژوهش نیز مستثنا نبوده و محدودیت احتمالی به شرح زیر است: با توجه به اینکه جامعه آماری پژوهش حاضر شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است، لذا ممکن است که نتایج به دست آمده تحت تأثیر نوع و نمونه انتخابی جامعه قرار گرفته و در نتیجه لازم است تا در به کارگیری نتایج به دست آمده برای شرکت‌های فرابورسی و شرکت‌های واسطه‌گری، بانک‌ها، هلدینگ‌ها، لیزینگ شرکت‌های بیمه با احتیاط برخورد شود.

منابع

- عسگری، محمدرضا، عظیمی، نرگس (۱۳۹۷). رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی، پاداش هیئت‌مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری*. دوره ۴، شماره ۱، ۱۷۹-۱۹۱.
- مولایی نیا، رضا، عسگری، محمدرضا، ۱۳۹۷، بررسی رابطه بین کیفیت پاداش هیئت‌مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، پنجمین کنفرانس اقتصاد و مدیریت کاربردی با رویکرد ملی، بابل‌سر.
- مهربان‌پور، محمدرضا؛ آهنگری، مهناز؛ وقفی، سیدحسام؛ مام صالحی، پرویز (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر اجتناب مالیات و تأثیر آن بر معیارهای ارزیابی عملکرد با استفاده از معادلات ساختاری. *دانش حسابداری مالی*، دوره ۴، شماره ۱۳، ۶۵-۸۶.
- خواجهی، شکرالله، کیامهر، محمد (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه پژوهشنامه مالیات*. دوره ۲۳، شماره ۲۶، ۸۷-۱۰۸.
- عبدالله میلانی، مهنوش، اکبرپور روشن، نرگس (۱۳۹۱). فرار مالیاتی ناشی از اقتصاد غیررسمی در ایران. *پژوهشنامه مالیات*، س ۶۱، ش ۱۳، ۱۴۱-۱۶۷.
- نمازی، محمد، بایزیدی، انور، جبارزاده کنگرلویی، سعید (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، دوره ۳، شماره ۹.
- ایزدی نیا، ناصر، مردادی، افسرعلی، غنی زاده، بهرام (۱۳۹۲). کیفیت حسابرسی. *فصلنامه حسابداری رسمی*، شماره ۳۳.
- Kim, B., Li, Y., Zhang, L. (2011), Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firm-level analysis. *Journal of Financial Economics*, 100(3), 639-662.
- Ferchichi, Jihene, Moez, Dabboussi (2019). The Moderating Effect of Audit Quality on CEO Compensation and Tax Avoidance: Evidence from Tunisian Context. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 2019, 9(1), 131-139.

- Huang, H. H., Lobo, G. J., Wang, C., & Xie, H. (2016). Customer concentration and corporate tax avoidance. *Journal of Banking & Finance*, 72, 184-200.
- Armstrong, C.S., Blouin, J.L., Jagolinzer, A.D., Larcker, D.F. (2017), Corporate governance, incentives and tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 60(2), 1-17.
- Myers, J. N., Myers, L. A., & Omer, T. C. (2013). "Exploring the Term of the Auditor–client Relationship and the Quality of Earnings: A Case for Mandatory Auditor Rotation?", *Accounting Review*, Vol. 78, 779–800.
- Chee, S., Choi, W., Shin, J. (2017), The non-linear relationship between CEO compensation incentives and corporate tax avoidance. *The Journal of Applied Business Research*, 33(3), 439-450.
- McGuire, Sean T., Thomas C. Omer and Dechun Wang. (2016). "Tax Avoidance: Does Tax-Specific Industry Expertise Make a Difference?" *The Accounting Review*, 87 (3): 975–1003.
- Desai, M., Dharmapala, D. (2006), Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics*, 79(1), 145-179.
- Mills, L., Law, K. (2014), Managerial Characteristics and Corporate Taxes. Working Paper, Colloquium on Tax Policy and Public Finance.
- Rego, S.O., Wilson, R. (2012), Equity risk incentives and corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting Research*, 50(3), 775-810.